

سناریوی هولناک پرستار خانگی؛ زنی شوهرش را به قتل رساند

19 بهمن 1404

مرد میانسال که با همدستی یک زن سناریوی قتل شوهر او را اجرا کرده بود در حالی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد که فرزندان مقتول مادرشان را بخشیدند.

به گزارش مادران و دختران به نقل از «ایران»، تیر سال 1403 گزارش قتل مردی 60 ساله با شلیک گلوله به سرش در یکی از بوستان‌های غرب تهران به پلیس اعلام شد. با شناسایی خانواده مقتول همسر وی مدعی شد: «من قاتل را می‌شناسم. او مردی 65 ساله است که مزاحم من می‌شد و از من باج خواهی می‌کرد. او همسرم را کشت.»

با این اظهارات متهم دستگیر شد و در بازجویی‌های فنی به قتل اعتراف کرد و گفت: «همسر مقتول قرار بود 200 میلیون تومان به من بدهد تا همسرش را بکشم. از چند سال قبل با سمیرا آشنا شده بودم و او چندین بار درباره اخلاق و رفتارهای تند و خشن همسرش صحبت کرده بود و می‌گفت حاضر است همه اموالش را بدهد تا از او جدا شود اما او طلاقش نمی‌دهد. من هم شوهرش را کشتم و 20 میلیون تومان هم پرداخت کرده است.»

در ادامه تحقیقات و با اینکه متهم اصلی در چند بازجویی دیگر و همین‌طور در بازسازی صحنه جرم به قتل با جزئیات اعتراف کرده بود در آخرین مرحله اعترافاتش را پس گرفت و مدعی شد: «من قاتل نیستم. شب حادثه سمیرا را دیدم که با اسلحه به همسرش شلیک کرد و بعد هم کلت را داخل ماشین من انداخت و سوار ماشینش شد و رفت من هم از ترسم اسلحه را به شهرستان بردم و مخفی کردم.»

با تکمیل تحقیقات برای مرد میانسال به اتهام مباشرت در قتل عمدی، شرب خمر و خرید و نگهداری اسلحه غیرمجاز و برای سمیرا به اتهام معاونت در قتل کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه 10 دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای جلسه اعلام شد که پدر و مادر مقتول که خاله و شوهرخاله سمیرا هستند در دادگاه حاضر نشدند و وکیلشان اعلام کرد که درخواستشان برای قاتل قصاص و برای همدستش اشد مجازات است. سپس دو دختر مقتول به جایگاه رفتند و مدعی شدند مادرشان فریب خورده و گذشت بی‌قید و شرط خودشان را اعلام کردند.

در ادامه متهم اصلی به جایگاه رفت و با رد اتهاماتش گفت: «من نقشی در قتل نداشتم. در آن برهه به مشکل مالی خورده بودم که از سمیرا پول قرض خواستم و او هم 2 بار 10 میلیون تومان به حسابم واریز کرد. اسلحه هم مال من نبود بعد از قتل، سمیرا آن را به داخل ماشینم انداخت و من فقط آن را

مخفی کردم.»

قاضی پرسید: «چرا در ابتدا با جزئیات به قتل اعتراف کرده بودی؟»



متهم جواب داد: «در بازجویی‌ها تحت فشار بودم از طرفی سمیرا به من گفته بود قتل را گردن بگیرم چون او می‌تواند از فرزندانش و خاله و شوهرخاله‌اش رضایت بگیرد اما وقتی فهمیدم از رضایت خبری نیست تصمیم گرفتم واقعیت را بگویم.»

پس از آن سمیرا به جایگاه رفت و گفت: «در ابتدا بگویم که هیچ‌کدام از ما قصدمان کشتن همسرمان نبود. من زندگی خوبی با همسرمان داشتم و 37 سال باهم زندگی کرده بودیم. من در کار فروش لباس بودم و همسر متهم مشتری‌ام بود. از آن طریق با او آشنا شدم اما مدتی بعد همسرش فوت کرد و من هم کارم را عوض کردم و پرستار خانگی شدم. متهم همیشه به درمانگاه می‌آمد و درخواست تزریق آمپول تقویتی می‌کرد تا اینکه یک شب با اصرار من را سوار ماشینش کرد تا حرف بزند. از من خواست از همسرمان جدا شوم و با او ازدواج کنم. من قبول نکردم و گفتم همسرمان را دوست دارم و نمی‌توانم از او جدا شوم. وقتی می‌خواست به زور آزارم دهد فرار کردم ولی گوشی تلفنم در خودرواش جا ماند و به عکس‌ها و فیلم‌های خصوصی‌ام دسترسی پیدا کرد.»

او تهدید می‌کرد اگر به خواسته‌اش تن ندهم آنها را برای شوهرمان می‌فرستد. بعد از آن دیگر مدام مزاحم من می‌شد و من هم از ترس اینکه شوهرمان بفهمد سکوت می‌کردم تا اینکه زن دیگری گرفت و مدتی دست از سرم برداشت اما چند ماه بعد او را طلاق داد و دوباره به سراغ من آمد و تهدیدهایش شروع شد. «شب حادثه من باید برای سرم تراپی به خانه بیماری می‌رفتم که متوجه شدم متهم جلوی

خانه ما ایستاده. با تهدید مرا سوار خودرو کرد. در همان زمان شوهرم رسید و با دیدن من در آن وضعیت پرسید اینجا چه می‌کنی؟ از ترسم گفتم آمدم به این آقا دارو تزریق کنم که عصبانی شد و به من گفت برو خانه تا تکلیفت را روشن کنم بعد هم با متهم درگیر شدند و او هم با اسلحه همسر را کشت.»

با پایان اظهارات متهمان، نماینده دادستان بار دیگر نسبت به اظهارات متهمان واکنش نشان داد و گفت: «هر دو متهم بارها به ماجرای قتل و همدستی برای حذف مقتول اعتراف کرده‌اند اما حالا اتهامشان را قبول ندارند. در تحقیقات مشخص شده که سمیرا رابطه خوبی با همسرش نداشته و حتی مهریه‌اش را هم به اجرا گذاشته بود.»

متهم ردیف اول هم طبق سند ضبط شده در مکالمه‌ای که از زندان با خواهر سمیرا داشته گفته به او بگو قتل را گردن بگیرد چون می‌تواند رضایت بگیرد و هردو نفرمان بعد از دو سه سال آزاد می‌شویم اما حالا موضوع را کتمان می‌کنند.»

با پایان جلسه دادگاه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

کامران علمدهی